

شناخت، رفتار، یادگیری

شناسایی مولفه‌ها و ابعاد شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان

احمد عبدالزهره^۱، عبدالزهره^۲، فرائک موسوی^۳، علی رحیم محمد السعیدی^۴، نصراله قشقائی زاده^۱

۱. دانشجوی دکتری، گروه علمی مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۳. گروه مدیریت آموزشی، واحد دیوانیه، دانشگاه قادسیه، دیوانیه، عراق

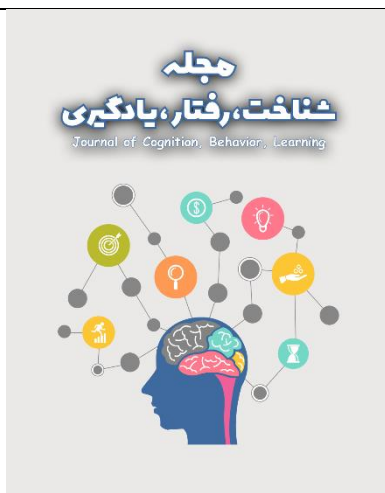
* ایمیل نویسنده مسئول: fa.mossavi@iau.ac.ir

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹



شیوه استناددهی: عبدالزهره، موسوی، فرائک، السعیدی، علی رحیم محمد، و قشقائی زاده، نصراله (۱۴۰۴). شناسایی مولفه‌ها و ابعاد شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان. *شناخت، رفتار، یادگیری*، ۲(۲)، ۱۵-۱.

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی مولفه‌ها و ابعاد شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان با تأکید بر عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای و پیامدهای ناشی از آن‌ها است. این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع داده‌بنیاد ساختاریافته انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از خبرگان حوزه آموزش و پرورش، تربیت اخلاقی و روان‌شناسی تربیتی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. همچنین به منظور غنای بیشتر، از تکنیک فراترکیب برای بررسی متون نظری و پژوهش‌های پیشین استفاده شد و اعتبار و پایایی یافته‌ها با استفاده از شاخص‌های کیفی نظیر تأییدپذیری، انتقال‌پذیری و بازآزمون تضمین گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان متشکل از شش مضمون اصلی شامل ارزش‌ها و نگرش‌ها، مهارت‌های اجتماعی، راهبردهای تربیتی، جایگاه معلمان، سواد رسانه‌ای و چالش‌شناسی است. همچنین چهار دسته عامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای و پیامدی شناسایی شد که هر کدام نقش مؤثری در ارتقای این شایستگی‌ها ایفا می‌کنند. نتایج بیانگر آن است که شایستگی اخلاقی پدیده‌ای چندبعدی و وابسته به تعامل میان نهادهای آموزشی، خانواده، رسانه و جامعه است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، طراحی سیاست‌های آموزشی یکپارچه، توانمندسازی معلمان، مشارکت والدین و بازنگری در محتوای درسی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان گردد. همچنین بهره‌گیری از فرصت‌های یادگیری تجربه‌محور، افزایش سواد رسانه‌ای، و ایجاد هماهنگی نهادی، برای تحقق اهداف تربیت اخلاقی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: شایستگی اخلاقی، تربیت اخلاقی، تحلیل محتوای کیفی، آموزش و پرورش، دانش‌آموزان، عوامل علی و

زمینه‌ای



Cognition, Behavior, Learning

Identifying the Components and Dimensions of Students' Moral Competencies

Ahmed Abdulzahra. Abd Zaid¹, Faranak. Mosavi^{2*}, Ali Raheem Mohammed. Alsaeedi³, Nasrolah. Ghashghaeizadeh¹

1. PhD Student, Department of Educational Management, Isf.c., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Department of Educational Management, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

3. Department of Educational Management, Diwaniyah Branch, Qadisiyah University, Diwaniyah, Iraq

*Corresponding Author's Email: fa.mosavi@iau.ac.ir

Submit Date: 2025-04-08

Revise Date: 2025-06-08

Accept Date: 2025-07-23

Publish Date: 2025-07-23

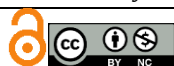
Abstract

This study aimed to identify the components and dimensions of students' moral competencies, focusing on causal, contextual, intervening, and consequential factors. This qualitative research was conducted using a structured grounded theory approach within the framework of qualitative content analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 21 experts in education, moral development, and educational psychology. The data were analyzed in three phases: open coding, axial coding, and selective coding. Additionally, a meta-synthesis method was applied to integrate findings from previous theoretical and empirical studies. Trustworthiness and reliability were ensured through confirmability, transferability, and retesting strategies. The results revealed that students' moral competence comprises six core themes: values and attitudes, social skills, educational strategies, teachers' role, media literacy, and moral challenge identification. Moreover, four categories of influential factors—causal, contextual, intervening, and outcomes—were identified. The findings suggest that moral competence is a multifaceted construct shaped through the interaction of educational systems, families, media environments, and broader society. Based on the results, the development of integrated educational policies, teacher empowerment, parental involvement, and curriculum revision can significantly enhance students' moral competencies. Furthermore, promoting experiential learning, media literacy, and institutional alignment is essential for achieving moral education goals.

Keywords: *Moral competence, moral education, qualitative content analysis, education system, students, causal and contextual factors*



How to cite: Abd Zaid, A., Mosavi, F., Alsaeedi, A., Ghashghaeizadeh, N. (2025). Identifying the Components and Dimensions of Students' Moral Competencies. *Cognition, Behavior, Learning*, 2(2), 1-15.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در دنیای امروز که آموزش نه تنها به انتقال دانش بلکه به پرورش شخصیت انسانی و اجتماعی فراگیران می‌پردازد، موضوع شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان به یکی از ارکان حیاتی تربیت نسل آینده تبدیل شده است. اهمیت پرورش اخلاق در دانش‌آموزان از آن جهت برجسته است که در کنار مهارت‌های شناختی، ویژگی‌های اخلاقی نیز به عنوان عناصر بنیادین در رفتارهای اجتماعی، تعاملات بین‌فردی، و عملکرد تحصیلی آنان ایفای نقش می‌کنند. توسعه شایستگی‌های اخلاقی در واقع فرآیندی چندبعدی است که نیازمند توجه هم‌زمان به عوامل فردی، نهادی، اجتماعی، و فناوری‌های نوین است (Ghasemi & Miri, 2023). این امر در پرتو تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی، ضرورتی دوجندان یافته است و برنامه‌های تربیتی باید بتوانند ضمن سازگاری با این تحولات، به تثبیت اصول اخلاقی در ذهن و رفتار دانش‌آموزان بپردازند (Khaleghi et al., 2023; Mohammadi et al., 2023).

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که شایستگی اخلاقی نه صرفاً یک ویژگی ذاتی، بلکه نتیجه آموزش هدفمند، تعاملات معنادار، و الگوگیری از محیط‌های آموزشی و اجتماعی است. در این زمینه، نقش معلمان به عنوان الگوهای رفتاری بسیار حیاتی است، چرا که شیوه برخورد آن‌ها با مسائل اخلاقی می‌تواند موجب انتقال ارزش‌ها یا تضعیف آن‌ها شود (Karimi Yarani et al., 2023; Kotluk & Tormey, 2023). اخلاق حرفه‌ای معلمان و کارکنان آموزشی در تعیین مسیر پرورش اخلاقی دانش‌آموزان نقش برجسته‌ای دارد و بر اساس یافته‌های مطالعات متعدد، این موضوع تأثیر مستقیم بر عملکرد تحصیلی، انگیزش درونی و انسجام اجتماعی دانش‌آموزان دارد (Babalola, 2023; Zhang et al., 2024).

در عین حال، محیط خانوادگی نیز از جمله عوامل اولیه و مؤثر در شکل‌گیری باورهای اخلاقی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. نگرش والدین به تربیت، سبک فرزندپروری، سطح سواد اخلاقی خانواده، و انسجام ارزش‌ها در محیط خانه، پایه‌های نخستین برای شکل‌گیری شایستگی‌های اخلاقی را بنیان می‌گذارد (Kabirian, 2024; Rohim & Madzaly, 2025). در بسیاری از موارد، تضاد ارزش‌ها میان خانه و مدرسه، چالش‌هایی جدی در فرایند درونی‌سازی مفاهیم اخلاقی در کودکان ایجاد می‌کند. از این رو، هماهنگی بین نهاد خانواده و مدرسه می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در توسعه پایدار شایستگی‌های اخلاقی در نظر گرفته شود (Mosallanezhad et al., 2023).

علاوه بر دو نهاد کلیدی خانه و مدرسه، ساختارهای کلان آموزشی و سیاست‌گذاری‌های ملی نیز نقش برجسته‌ای در طراحی، هدایت و ارزیابی برنامه‌های تربیت اخلاقی ایفا می‌کنند. رویکردهای مختلفی از جمله طراحی برنامه درسی مبتنی بر ارزش، تلفیق آموزش اخلاق با فعالیت‌های فوق برنامه، و ارزیابی‌های رفتاری، از جمله استراتژی‌هایی هستند که در کشورهای گوناگون مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Haseli Songhori & Salamti, 2024; Rao, 2025). یافته‌های پژوهش‌های کیفی نیز نشان داده‌اند که تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان در تعامل با نظام آموزشی، رابطه مستقیمی با میزان پذیرش مفاهیم اخلاقی و تبدیل آن‌ها به رفتارهای پایدار دارد (Zaidy, 2024).

همچنین نمی‌توان نقش رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال را در فرآیند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان نادیده گرفت. در عصر فناوری و هوش مصنوعی، کودکان و نوجوانان بخش قابل‌توجهی از زمان خود را در بسترهای مجازی سپری می‌کنند که برخی از آن‌ها فرصت‌هایی برای آموزش ارزش‌های اخلاقی و برخی دیگر، تهدیدهایی جدی در تغییر نگرش‌های اخلاقی به شمار می‌روند (Migdadi et al., 2024; Zaidy, 2024). شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، و فضای تبلیغات دیجیتال، هر کدام با پیام‌ها و هنجارهای ضمنی، بر شکل‌گیری ادراک اخلاقی کودکان و نوجوانان اثر می‌گذارند. در این زمینه، آموزش سواد رسانه‌ای و تقویت تفکر انتقادی می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در مواجهه با اطلاعات نادرست یا غیراخلاقی ایفا نماید (Clair et al., 2023; Li et al., 2023).

از منظر روان‌شناسی تربیتی، ارتباط میان هوش اخلاقی، حساسیت اخلاقی و سرمایه روان‌شناختی از جمله ابعاد درونی مهم در درک و تقویت شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان به شمار می‌رود (Ghasemi & Miri, 2023; Hlaing et al., 2023). مطالعات نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که از سطح بالاتری از خودآگاهی اخلاقی و مهارت‌های همدلی برخوردارند، در موقعیت‌های چالش‌برانگیز تصمیمات بهتری اتخاذ کرده و رفتارهای اجتماعی مؤثرتری بروز می‌دهند (Clair et al., 2023; Kotluk & Tormey, 2023). این مسئله نشان می‌دهد که شایستگی اخلاقی یک پدیده چندلایه است که باید در تقاطع مفاهیم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، آموزش، و فناوری مطالعه شود.

افزون بر این، نوع محتوای آموزشی و روش‌های تدریس نیز در جهت‌دهی به فرآیند یادگیری اخلاقی اهمیت دارد. پژوهش‌ها تأکید دارند که استفاده از موقعیت‌های واقعی، داستان‌های اخلاقی، فعالیت‌های گروهی، و آموزش مبتنی بر پروژه، در درونی‌سازی ارزش‌ها بسیار مؤثرتر از روش‌های سنتی و دستوری عمل می‌کنند (Babalola, 2023; Nadhila Septia & Elis, 2024). در همین راستا، طراحی برنامه‌هایی که به تقویت اراده اخلاقی، عزت‌نفس، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شوند، نه تنها موجب بهبود رفتارهای اخلاقی بلکه عاملی مؤثر در ارتقاء سلامت روان و امنیت روانی دانش‌آموزان است (Karimi Yarani et al., 2023; Zhang et al., 2024).

در ایران نیز در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ارتقاء آموزش‌های مبتنی بر اخلاق در ساختار نظام تعلیم و تربیت صورت گرفته است؛ با این حال، همچنان نیاز به طراحی مدلی بومی و جامع که بتواند ابعاد مختلف شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان را شناسایی و سازماندهی کند، احساس می‌شود (Bazvand, 2023; Khaleghi et al., 2023). پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان طراحی شده است تا با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و تحلیل محتوای داده‌ها، مدلی کاربردی و مبتنی بر شواهد برای ارتقاء اخلاق در نظام آموزش عمومی ارائه نماید.

روش‌شناسی

در این مطالعه، از رویکرد کیفی با روش تحلیل محتوای کیفی به‌صورت داده‌بنیاد ساختاریافته بهره گرفته شد. این روش پژوهش با هدف کشف و توسعه نظریه‌ای مبتنی بر داده‌های میدانی طراحی شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه صاحب‌نظران، متخصصان، مربیان و کارشناسان حوزه آموزش و پرورش بود که دارای تجربه مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان بودند. مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، بدین معنا که افراد بر اساس توانایی آن‌ها در غنی‌سازی فرایند نظریه‌پردازی و کمک به کشف ابعاد پنهان پدیده مورد نظر گزینش شدند. ملاک‌های ورود شامل دارا بودن تحصیلات مرتبط (کارشناسی ارشد یا دکتری)، سابقه کاری حداقل ده سال در حوزه آموزش و پرورش، مشارکت در پژوهش‌ها و کنفرانس‌های علمی مرتبط، و نیز تمایل و تعهد برای حضور در مصاحبه‌ها بود. از سوی دیگر، عدم رضایت‌نامه کتبی، نبود تخصص لازم یا مشکلات زمانی و مکانی دلایل خروج از مشارکت محسوب می‌شدند. برای گردآوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شد. این مصاحبه‌ها با حضور شرکت‌کنندگانی انجام شد که از نظر تحصیلات، تجربه، دیدگاه، و جنسیت دارای تنوع و گوناگونی بودند تا ابعاد مختلف شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان از زوایای گوناگون بررسی شود. سؤالات مصاحبه بر اساس مرور ادبیات نظری اولیه و در هماهنگی با اهداف تحقیق طراحی گردید و پس از انجام سه مصاحبه مقدماتی، اصلاحات لازم روی راهنمای مصاحبه اعمال شد. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به‌طول انجامید و تمامی گفت‌وگوها با رضایت‌نامه کتبی مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد. مصاحبه‌ها به‌گونه‌ای هدایت شدند که مشارکت‌کنندگان بتوانند تجربیات زیسته، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و نگرش‌های خود را پیرامون مؤلفه‌های شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان بیان نمایند. اعتبار محتوایی مصاحبه‌ها از طریق ارزیابی توسط سه نفر از اساتید حوزه تعلیم و تربیت و اخلاق حرفه‌ای بررسی و تأیید شد.

در کنار مصاحبه‌های کیفی، برای غنای تحلیل و اعتباربخشی نظری به یافته‌ها، از روش فراترکیب استفاده گردید. در این مرحله، متون نظری، مقالات علمی معتبر داخلی و خارجی، و اسناد مرتبط با شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان به‌طور نظام‌مند جستجو و تحلیل شدند. ابتدا با تعیین واژگان کلیدی مرتبط، فرایند جستجو در پایگاه‌های داده آغاز شد. سپس مقالات و منابع علمی بر اساس عنوان، چکیده، روش تحقیق و محتوای نظری غربال شدند و منابع واجد شرایط انتخاب گردیدند. محتوای این منابع با هدف استخراج شاخص‌های مفهومی مرتبط با مؤلفه‌های شایستگی اخلاقی بررسی شده و نکات کلیدی آن‌ها استخراج گردید. پس از تحلیل اولیه، شاخص‌های مشترک دسته‌بندی شده و از طریق هم‌پوشانی با یافته‌های میدانی اعتبارسنجی گردیدند.

برای تحلیل داده‌ها، از سه مرحله کدگذاری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد. در مرحله اول یعنی کدگذاری باز، متون پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها خط‌به‌خط و بندبه‌بند بررسی شدند و مفاهیم اولیه استخراج گردیدند. این مفاهیم به‌صورت اولیه کدگذاری شده و در قالب مقوله‌های ابتدایی طبقه‌بندی شدند. در گام دوم یعنی کدگذاری محوری، مفاهیم حاصل از کدگذاری باز به دسته‌ها و مقولات سازمان‌یافته‌تری تبدیل شدند و روابط میان آن‌ها با توجه به چارچوب پارادایمی تحلیل شدند؛ به‌گونه‌ای که پدیده مرکزی، شرایط علی، زمینه‌ای،

مداخله‌گر، راهبردهای کنش و پیامدها به‌طور نظام‌مند شناسایی شد. در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی انجام شد. در این مرحله، مقوله محوری انتخاب شده و سایر مقولات در یک ساختار منسجم به آن مرتبط گردیدند. بدین ترتیب، مدل نظری اولیه پژوهش تدوین شد. اعتبار تحلیل داده‌ها با استفاده از روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، بررسی توسط همکار پژوهشی، و بررسی تطبیقی با منابع نظری انجام شد. در ادامه، یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و فراترکیب با یکدیگر ادغام شدند. در گام نهایی، از تکنیک انتروپی شانون برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و بررسی میزان اهمیت آن‌ها در ساختار نهایی استفاده شد. به‌منظور اطمینان از کیفیت تحلیل، شاخص‌های قابلیت اتکاء، باورپذیری، تأییدپذیری و بازتاب‌پذیری مورد سنجش قرار گرفتند. به‌طور کلی، فرایند تحلیل در این پژوهش بر پایه استدلال استقرایی، تعامل با داده‌ها، و اعتبارسنجی مستمر صورت پذیرفت تا مدلی غنی و معتبر از مؤلفه‌ها و ابعاد شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان ارائه شود.

یافته‌ها

در خصوص اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر باید عنوان کرد که تعداد کل نمونه‌ها برابر با ۲۱ نفر بوده است. فرآیند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌گونه‌ای که اشباع داده‌ها در مصاحبه با شش نفر از خبرگان حاصل شد، اما جهت اطمینان از کفایت داده‌ها، مصاحبه‌ها تا نفر هشتم ادامه یافت و در نهایت ۲۱ مصاحبه کامل گردآوری شد. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۴۳ سال و میانگین سابقه کاری آن‌ها در حوزه آموزش و پرورش و امور تربیتی حدود ۱۵ سال بود که نشان از تجربه و تخصص قابل توجه نمونه پژوهش دارد. از نظر سطح تحصیلات، بالاترین مدرک تحصیلی دکتری تخصصی بوده و سایر مشارکت‌کنندگان نیز اغلب دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط با آموزش، روان‌شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت بودند. در ترکیب جنسیتی، ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان زن و ۹ نفر مرد بودند که این توزیع جنسیتی به پژوهش کمک کرد تا دیدگاه‌های متنوعی از هر دو گروه دریافت گردد. همچنین تنوع مناسبی در سابقه شغلی افراد شرکت‌کننده دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که کمترین سابقه کاری ۱۰ سال و بیشترین آن ۳۰ سال بوده است که این امر موجب تعمیق و غنای تحلیل کیفی یافته‌ها شد.

در فرآیند تحلیل داده‌ها، پس از انجام مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، شش مضمون اصلی به‌عنوان پیامدها و ابعاد کلیدی شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان استخراج گردید. این مضامین شامل «ارزش‌ها و نگرش‌ها»، «مهارت‌های اجتماعی»، «راهبردهای آموزشی و پرورشی»، «جایگاه معلمان»، «سواد رسانه‌ای» و «چالش‌شناسی» می‌باشند. در مجموع، ۵۹ کد نهایی در قالب این شش مقوله تدوین شد که هر یک نمایانگر ابعادی از شایستگی اخلاقی است. مضمون «ارزش‌ها و نگرش‌ها» با ۲۳ کد بیشترین فراوانی را داشت و شامل شاخص‌هایی مانند صداقت، نوع‌دوستی، عدالت‌خواهی، احترام به قانون، شکرگزاری، و پذیرش اشتباهات بود. در محور «مهارت‌های اجتماعی» نیز چهار شاخص کلیدی از جمله اعتمادسازی و حفظ حرمت والدین و معلمان شناسایی شد. مضمون «راهبردهای آموزشی و پرورشی» با ۱۴ کد به راهکارهایی چون استفاده از داستان‌های اخلاقی، برنامه‌های مبتنی بر ارزش، نقش مشاوران، و برگزاری اردوهای تربیتی اشاره داشت. در بعد «جایگاه معلمان»، پنج کد درباره نقش الگو بودن معلم، تعامل نزدیک، و پرهیز از تنبیه‌های سخت استخراج شد. مضمون «سواد رسانه‌ای» دو کد در زمینه آموزش صحیح استفاده از فضای مجازی و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج اخلاق داشت و در نهایت «چالش‌شناسی» با ۶ کد به شیوه‌های عملیاتی‌سازی و شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ارتقای اخلاق در مدرسه اشاره داشت.

جدول ۱. مضامین اصلی و کدهای نهایی پیامدهای شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان

کدهای محوری	کدهای باز
ارزش‌ها و نگرش‌ها	تعهد و مسئولیت‌پذیری، صداقت، احترام به حقوق دیگران، نوع‌دوستی، رعایت انصاف، خویشتن‌داری، احترام به قانون، وجدان کاری، تحمل تفاوت‌ها، وفای به عهد، پرهیز از فریب، مسئولیت اجتماعی، نقدپذیری، شکرگزاری، پذیرش اشتباهات، نگرش مثبت، دوری از تعصب، پایبندی به معنویت، رعایت حقوق حیوانات، عزت‌نفس، انسجام رفتاری، اراده اخلاقی، وجدان بیدار
مهارت‌های اجتماعی	اعتمادسازی، همکاری و همدلی، رعایت ادب، حفظ حرمت والدین و معلمان

راهنمایی	الگوهای نقش‌پذیر، برنامه‌های مبتنی بر ارزش، روایت‌های اخلاقی، پاداش اخلاقی، کارگاه‌های زندگی اخلاقی، نقش مشاوران، آموزشی و پرورشی
محیط عادلانه، مشارکت والدین، روش‌های تعاملی، خودکنترلی، نظارت محتوایی، اردوهای تربیتی، آموزش رسانه‌ای، تصمیم‌گیری اخلاقی	
جایگاه معلمان	رابطه نزدیک، حذف تنبیه‌های سخت، مشارکت اعتقادی، هدایت اخلاقی، محیط امن و بدون خشونت
سواد رسانه‌ای	آموزش سواد رسانه‌ای، ترویج اخلاق در شبکه‌های اجتماعی
چالش‌شناسی	جلسات گفت‌وگو، فرصت‌های عملی، دعوت از نخبگان، حمایت از دانش‌آموزان مستعد، نظام تشویقی اخلاق‌محور

در ادامه تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و فراترکیب متون نظری، عوامل علی مؤثر بر شکل‌گیری شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان در قالب پنج مضمون اصلی شناسایی شدند. این پنج مضمون شامل «خانواده»، «مدرسه»، «جامعه»، «فردی» و «رسانه و دیجیتال» هستند. در مجموع، ۴۲ کد نهایی در این بخش استخراج گردید که به صورت دقیق‌تر به زمینه‌ها و عواملی اشاره دارند که شالوده رشد و پرورش شایستگی‌های اخلاقی را در دانش‌آموزان شکل می‌دهند. محور «خانواده» شامل پنج کد اساسی است که نقش بنیادین والدین، سبک‌های تربیتی، پابندی به ارزش‌ها و وضعیت اقتصادی خانواده را در نگرش‌های اخلاقی فرزندان مورد تأکید قرار می‌دهد. گسترده‌ترین محور، «مدرسه» بود که با ۱۹ کد، عناصر مختلفی چون محتوای آموزشی، سیاست‌های انضباطی، نقش معلمان و مشاوران، عدالت آموزشی و مشارکت دانش‌آموزان در تصمیمات اخلاقی را در بر می‌گرفت. در محور «جامعه»، یازده کد نهایی به دست آمد که به تأثیر محیط اجتماعی، حمایت‌های فرهنگی و روانی، تعاملات فرهنگی و نقش نهادهای مذهبی در تربیت اخلاقی پرداخته شده است. محور چهارم یعنی «فردی» با هفت کد بر ویژگی‌های درونی، باورهای دینی، سبک‌های تفکر و علاقه دانش‌آموز به یادگیری اخلاقیات تمرکز دارد. در نهایت، مضمون «رسانه و دیجیتال» با پنج کد تأکید دارد بر اینکه رسانه‌های نوین، فضای مجازی، ادبیات و آموزش‌های غیررسمی چگونه می‌توانند نگرش اخلاقی دانش‌آموزان را تقویت یا تضعیف کنند.

جدول ۲. مضامین اصلی و کدهای نهایی عوامل علی شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان

کدگذاری محوری	کدهای باز
خانواده	تربیت خانوادگی، نقش والدین به عنوان الگو، پابندی خانواده به ارزش‌ها، تأثیر وضعیت اقتصادی، شیوه‌های تربیتی
مدرسه	نقش مدرسه، آموزش‌های اخلاقی، محتوای آموزشی، نظام ارزشیابی، سیاست‌های انضباطی، شیوه‌های تربیتی، عدالت آموزشی، نقش معلمان، مشارکت دانش‌آموزان، قوانین اخلاقی، محتوای دینی، شخصیت‌سازی اخلاقی، مشاوران تربیتی، شیوه‌های آموزش اخلاق، تشویق اخلاق، اخلاق‌مداری مدیران، آموزش‌های دینی و اخلاقی
جامعه	ارتباطات اجتماعی، تعامل با افراد با اخلاق، حضور در فعالیت‌های فرهنگی، حمایت‌های اجتماعی، تعاملات فرهنگی، نقش نهادهای مذهبی، ارزش‌های تاریخی، امنیت روانی، گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار، حمایت‌های روانی، نگرش جامعه به اخلاق
فردی	ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط با افراد مذهبی، باورهای دینی، فرصت‌های تمرین اخلاق، آگاهی از مفاهیم اخلاقی، سبک‌های تفکر، علاقه به مطالعه اخلاقی
رسانه و دیجیتال	الگوهای رسانه‌ای، فضای مجازی، برنامه‌های تلویزیونی، آموزش‌های غیررسمی، داستان‌ها و ادبیات اخلاقی

در بخش سوم تحلیل داده‌ها، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان شناسایی و در قالب شش مضمون اصلی طبقه‌بندی گردید. این مضامین شامل «خانواده»، «مدرسه»، «جامعه»، «فردی»، «رسانه و فناوری» و «سیاست‌گذاری و نظام آموزشی» هستند. این بخش از یافته‌ها بر بافت و محیطی تمرکز دارد که در آن شایستگی‌های اخلاقی رشد می‌یابند و به بلوغ می‌رسند. محور «خانواده» با ۱۰ کد، بر نقش باورها، سبک‌های تربیتی، وضعیت اقتصادی، میزان انسجام خانوادگی، سطح تحصیلات والدین و کیفیت تعاملات میان اعضای خانواده تأکید دارد و نمایانگر آن است که خانواده به عنوان اولین بستر تربیتی، نقشی کلیدی در انتقال ارزش‌های اخلاقی ایفا می‌کند. محور «مدرسه» با ۱۸ کد، غنی‌ترین محور در این بخش است و عوامل متعددی چون کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز، محتوای آموزشی، میزان فرصت‌های تجربه‌محور، سطح دینداری و

تعامل با نهادهای فرهنگی را دربر می‌گیرد که همگی بر توسعه شایستگی‌های اخلاقی در فضای آموزشی تأثیرگذار هستند. در محور «جامعه» ۷ کد استخراج شد که شامل ارزش‌های فرهنگی مسلط، نفوذ گروه‌های همسالان، فرصت‌های مشارکت اجتماعی و نقش الگوهای فرهنگی و دینی است. محور «فردی» با ۳ کد به ویژگی‌های روانشناختی، سطح مطالعه و مشارکت مذهبی دانش‌آموزان اشاره دارد و نقش فرد را در درون‌سازی ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید قرار می‌دهد. مضمون «رسانه و فناوری» نیز شامل ۳ کد است که به تأثیر فضای مجازی، دسترسی به محتوای اخلاق محور و سبک زندگی مدرن می‌پردازد. در نهایت، محور «سیاست‌گذاری و نظام آموزشی» با ۳ کد بر سیاست‌های کلان آموزشی، نقش الگوسازی والدین و معلمان، و حمایت‌های دولتی در جهت ترویج اخلاق در نظام آموزش رسمی تأکید دارد. این عوامل زمینه‌ای به‌عنوان بستر شکل‌گیری یا تضعیف شایستگی‌های اخلاقی در دانش‌آموزان ایفای نقش می‌کنند و در طراحی مدل نهایی، نقشی کلیدی دارند.

جدول ۳. مضامین اصلی و کدهای نهایی عوامل زمینه‌ای شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان

کدهای باز	کدگذاری محوری
ارزش‌های فرهنگی خانواده، باورهای دینی خانواده، سبک تربیتی والدین، آگاهی والدین از تربیت اخلاقی، تعاملات خانوادگی، وضعیت اقتصادی، انسجام خانواده، تحصیلات و شغل والدین، محیط خانوادگی امن، تعامل دانش‌آموز و والدین	خانواده
باورهای دینی مدرسه، محتوای درسی، تعامل معلم و دانش‌آموز، محیط اخلاقی مدرسه، منابع اخلاقی، معنویت مدرسه، تعاملات مثبت، برنامه‌های فرهنگی، ارزشیابی اخلاقی، فرصت‌های تجربه‌محور، روش تدریس، آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری، حمایت روانی، محیط فیزیکی، برخورد با تخلفات، تعامل با نهادهای فرهنگی	مدرسه
ارزش‌های فرهنگی جامعه، تأثیر گروه دوستان، آگاهی عمومی اخلاقی، تعاملات بین‌فرهنگی، نقش الگوهای دینی و ملی، تشویق اخلاق توسط جامعه، دسترسی به خدمات داوطلبانه	جامعه
ویژگی‌های روانشناختی، آگاهی اخلاقی دانش‌آموز، مشارکت در فعالیت‌های دینی	فردی
رسانه‌های آموزشی اخلاق محور، تأثیر فضای مجازی، سبک زندگی مدرن	رسانه و فناوری
سیاست‌های کلان تربیت اخلاقی، الگوسازی والدین و معلمان، سیاست‌های دولتی در ترویج اخلاق	سیاست‌گذاری و نظام آموزشی

در ادامه تحلیل محتوای کیفی و بر پایه کدگذاری‌های انجام‌شده، عوامل مداخله‌ای مؤثر بر شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان در قالب چهار مضمون اصلی شامل «خانواده»، «مدرسه»، «رسانه» و «جامعه» شناسایی گردید. این عوامل، متغیرهایی هستند که می‌توانند در مسیر توسعه یا تضعیف شایستگی‌های اخلاقی نقش تقویت‌کننده یا بازدارنده ایفا کنند. در محور «خانواده»، چهار کد نهایی شامل میزان تعامل والدین در فرآیند تربیت اخلاقی، سطح تحصیلات و نگرش آن‌ها نسبت به آموزش اخلاق، موقعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و همچنین سطح ارتباط و همکاری میان والدین و معلمان شناسایی شد. این موارد نشان می‌دهند که خانواده، حتی در جایگاه مداخله‌گر، می‌تواند نقشی اثرگذار در جهت‌دهی اخلاقی فرزندان ایفا کند.

در محور «مدرسه» که بیشترین تعداد کدهای نهایی (۱۵ کد) را به خود اختصاص داد، عوامل مختلفی مانند سبک مدیریت، الگوهای رفتاری معلمان، محتوای کتب درسی، ساختار فیزیکی و فرهنگی مدرسه، سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، و عدالت آموزشی به‌عنوان عوامل مداخله‌ای مؤثر شناسایی شدند. همچنین، مؤلفه‌هایی مانند میزان اعتماد دانش‌آموز به معلم، ساختار یادگیری تعاملی، و انگیزش یادگیری اخلاق نیز از جمله متغیرهایی بودند که می‌توانند در موقعیت‌های مختلف، تأثیرات متفاوتی بر رشد شایستگی‌های اخلاقی داشته باشند.

محور «رسانه» نیز با چهار کد شامل تأثیر شبکه‌های اجتماعی، سطح نظارت بر محتوای رسانه‌ای، کیفیت برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی، و نقش تبلیغات عمومی شناسایی شد که بیانگر نقش دوگانه رسانه‌ها به‌عنوان عامل آموزشی و در عین حال خطر بالقوه در شکل‌گیری نگرش‌های اخلاقی است. در نهایت، محور «جامعه» با ۹ کد، مؤلفه‌هایی مانند میزان حمایت نهادهای رسمی از آموزش اخلاق، نقش رهبران فرهنگی و مذهبی، مشارکت نهادهای مدنی، تأثیر گروه همسالان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، آگاهی از حقوق شهروندی، و تعامل فرهنگی را دربر می‌گیرد. این نتایج نشان

می‌دهد که محیط اجتماعی گسترده، نه تنها از منظر حمایتی بلکه از حیث فرهنگ و روابط اجتماعی نیز در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

جدول ۴. مضامین اصلی و کدهای نهایی عوامل مداخله‌ای شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان

کدهای باز	کدگذاری محوری
میزان تعامل خانواده در تربیت اخلاقی، تحصیلات و نگرش والدین، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، ارتباط والدین با معلمان سبک مدیریت، الگوهای رفتاری معلمان، محتوای درسی، محیط اجتماعی و فرهنگی مدرسه، فعالیت‌های فرهنگی، قوانین آموزشی، ساختار کلاس‌ها، کتابخانه‌های اخلاقی، تعامل دانش‌آموز و معلم، سیاست‌های تشویقی، اجرای تنبیه‌ها، سبک تدریس، عدالت آموزشی، انگیزش اخلاقی	خانواده مدرسه
شبکه‌های اجتماعی، نظارت رسانه‌ای، برنامه‌های اخلاقی در تلویزیون و سینما، تبلیغات اخلاقی در فضاهای عمومی حمایت‌های دولتی از آموزش اخلاق، نقش رهبران فرهنگی-دینی، تعامل مدارس و نهادهای اجتماعی، تأثیر گروه همسالان، مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان، آگاهی از حقوق شهروندی، نقش سمن‌ها، تفاوت‌های فرهنگی، تعامل با دیگر باورهای اخلاقی	رسانه جامعه

در مرحله نهایی تحلیل داده‌ها، پیامدهای شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان با تمرکز بر اثرات بلندمدت و گسترده آن‌ها در ابعاد فردی، اجتماعی، تحصیلی و روانی استخراج گردید. این پیامدها در قالب ۸ مضمون اصلی و ۳۵ کد نهایی طبقه‌بندی شدند. مضمون اول، «پیامدهای اجتماعی و اخلاقی» شامل ۶ کد است که به نقش شایستگی اخلاقی در تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عدالت‌خواهی، نوع‌دوستی و تعهد به محیط زیست اشاره دارد و نشان می‌دهد اخلاق نه تنها در سطح فردی بلکه در جهت‌گیری‌های اجتماعی و زیست‌محیطی دانش‌آموزان نیز تأثیرگذار است. محور دوم، «پیامدهای روابط بین‌فردی و اجتماعی» شامل ۵ کد بود که به بهبود تعاملات بین فردی، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش بزهکاری و احترام به تفاوت‌ها می‌پردازد.

در بعد سوم، «پیامدهای عملکرد تحصیلی و انگیزه یادگیری»، پنج کد استخراج شد که حاکی از آن است که دانش‌آموزان دارای شایستگی‌های اخلاقی بالا، از سطح بالاتری از انگیزه یادگیری، علاقه به مطالعات اخلاقی و موفقیت در آزمون‌های علمی برخوردار هستند. «پیامدهای سلامت روان و امنیت» نیز با ۴ کد به افزایش رضایت از زندگی، امنیت روانی، کاهش استرس و تنش‌های اجتماعی و خانوادگی اشاره داشت. پنجمین محور، «پیامدهای توسعه مهارت‌های اجتماعی و تفکر انتقادی» با ۳ کد به رشد مهارت‌های حل تعارض، تصمیم‌گیری اخلاقی و پذیرش انتقاد سازنده اشاره دارد. در مضمون ششم، «پیامدهای رفتارهای پرخطر و منفی»، ۴ کد بیانگر کاهش قابل توجه در بروز خشونت، تخلفات انضباطی، تأثیرات منفی فضای مجازی و رفتارهای پرخطر است.

مضمون هفتم، «پیامدهای آموزشی و پرورشی» شامل ۳ کد است که نشان می‌دهد ارتقاء شایستگی اخلاقی در نهایت به بهبود تصویر نظام آموزشی، کاهش نرخ ترک تحصیل و تربیت شهروندان قانون‌مدار منجر می‌شود. در نهایت، مضمون هشتم، «پیامدهای تقویت انگیزه و همکاری»، با ۲ کد به افزایش همکاری، مشارکت گروهی و حس مسئولیت‌پذیری در محیط‌های آموزشی و اجتماعی اشاره دارد. این پیامدها به وضوح نشان می‌دهند که ارتقاء شایستگی اخلاقی نه تنها یک هدف تربیتی بلکه یک راهبرد کلان در جهت توسعه پایدار اجتماعی، فرهنگی و انسانی است.

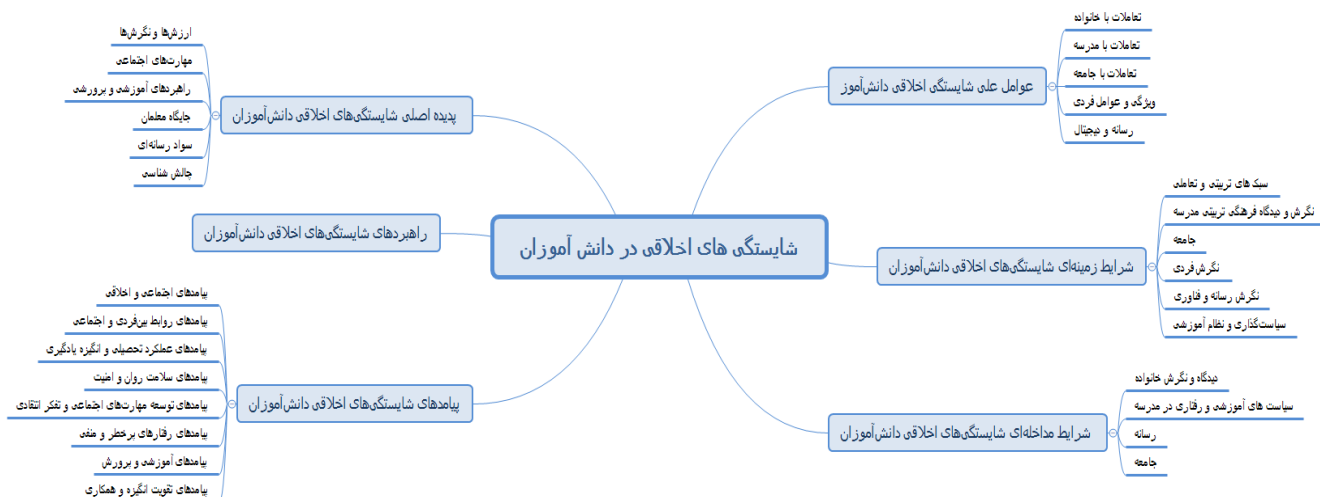
جدول ۵. مضامین اصلی و کدهای نهایی پیامدهای شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان

کدهای باز	کدگذاری محوری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همدلی و نوع‌دوستی، تعهد اخلاقی، عدالت‌خواهی، تعهد به محیط زیست، فرهنگ کمک و مسئولیت اجتماعی	پیامدهای اجتماعی و اخلاقی
اعتماد بین‌فردی، تعامل مثبت با معلمان، انسجام اجتماعی، کاهش بزهکاری، احترام به تفاوت‌ها	پیامدهای روابط بین‌فردی و اجتماعی
بهبود عملکرد تحصیلی، انگیزه مشارکت اجتماعی، درک ارزش‌های فرهنگی، موفقیت در آزمون‌ها، علاقه به مطالعات اخلاقی	پیامدهای عملکرد تحصیلی و انگیزه یادگیری
رضایت از زندگی، سلامت روان، امنیت روانی آموزشی، کاهش تنش‌های خانوادگی و اجتماعی	پیامدهای سلامت روان و امنیت
مهارت حل تعارض، تفکر و تصمیم‌گیری اخلاقی، پذیرش انتقاد	پیامدهای توسعه مهارت‌های اجتماعی و تفکر
کاهش رفتارهای پرخطر، کاهش خشونت، کاهش تخلفات انضباطی، کاهش اثرات منفی فضای مجازی	پیامدهای رفتارهای پرخطر و منفی
تربیت شهروند قانون‌مدار، بهبود تصویر نظام آموزشی، کاهش ترک تحصیل	پیامدهای آموزشی و پرورشی
افزایش همکاری گروهی، مشارکت در امور مدرسه و جامعه	پیامدهای تقویت انگیزه و همکاری

در این پژوهش، برای اطمینان از روایی یا اعتبار کیفی یافته‌ها، از سه شاخص اساسی شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شده است. به منظور تحقق باورپذیری، پژوهشگر با استفاده از مقایسه تطبیقی بین کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مفاهیم نظری معتبر در حوزه شایستگی‌های اخلاقی، تلاش کرد تا تفسیرهای ارائه‌شده از داده‌ها با زمینه‌های نظری و تجربی مرتبط هم‌راستا باشد. همچنین با اجرای دقیق مراحل جمع‌آوری، تحلیل و گزارش داده‌ها همراه با شفاف‌سازی کامل روش‌شناسی و ارائه نقل‌قول‌های مستقیم از مشارکت‌کنندگان، عمق و غنای توصیفی پژوهش تقویت شد تا صدای واقعی شرکت‌کنندگان به‌درستی در متن تحقیق منعکس گردد. در راستای انتقال‌پذیری نیز، تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان داد که بسیاری از مشارکت‌کنندگان تجربه‌های مشابهی را در محیط‌های مختلف آموزش و پرورش گزارش کردند که نشان می‌دهد یافته‌های این تحقیق به‌راحتی قابل تعمیم به زمینه‌ها و موقعیت‌های مشابه در سایر نهادهای آموزشی و تربیتی می‌باشند. افزون بر این، با استفاده از فرایند نمونه‌گیری نظری و انتخاب مشارکت‌کنندگانی با پیش‌زمینه‌ها و تجارب متنوع، امکان انطباق نتایج با زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی فراهم شد. در زمینه تأییدپذیری نیز کلیه مراحل پژوهش، شامل طراحی، اجرا، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، به‌صورت دقیق مستند شده است. همچنین داده‌های خام و کدگذاری‌شده برای بازبینی در اختیار ارزیابان متخصص قرار گرفت تا هرگونه سوگیری احتمالی در تحلیل کاهش یافته و امکان بازبینی و تکرار فرآیند توسط سایر پژوهشگران فراهم گردد. این اقدامات جمعی نشان می‌دهند که پژوهش حاضر از روایی بالا و استانداردهای اعتبار کیفی لازم برخوردار بوده و می‌تواند به‌عنوان منبع قابل اتکا برای مطالعات بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

در این پژوهش، برای بررسی پایایی کیفی، از سه شاخص اصلی شامل پایایی بازآزمون، پایایی بینابینی و پایایی همسانی درونی استفاده شده است. در مرحله اول، به‌منظور سنجش پایایی بازآزمون، کدهای نهایی استخراج‌شده چند روز پس از تحلیل اولیه، مجدداً توسط گروهی از خبرگان بررسی و تحلیل شدند. این بازبینی موجب شد تا ناهماهنگی‌های احتمالی شناسایی شده و در صورت لزوم اصلاحات لازم صورت گیرد. این فرآیند به پژوهشگر امکان داد تا از ثبات کدگذاری‌ها و دقت در تحلیل مفاهیم اطمینان حاصل کند. در مرحله دوم، برای ارزیابی پایایی بینابینی، کدهای استخراج‌شده به‌صورت مستقل توسط سه نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه و دو نفر از متخصصان دکتری در رشته مرتبط بررسی شد. نتایج حاصل از این ارزیابی‌ها نشان داد که میزان هم‌پوشانی میان کدهای اختصاص‌یافته توسط ارزیابان بالا بوده و اختلافات اندکی میان آن‌ها مشاهده شد که بیانگر توافق بالا و انسجام در روند تحلیل داده‌ها بود. در گام سوم، برای بررسی همسانی درونی کدگذاری‌ها، داده‌های تحلیل‌شده به‌صورت تصادفی به دو بخش تقسیم شدند و میزان همبستگی میان آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که میان کدهای دو بخش همبستگی قابل‌توجهی وجود دارد که

نشان‌دهنده انسجام مفهومی و ثبات تحلیلی درون ساختار پژوهش است. مجموعه این اقدامات مؤید آن است که پژوهش حاضر از پایایی کیفی مطلوب برخوردار بوده و می‌تواند به عنوان مبنایی معتبر برای تحلیل‌های علمی در حوزه شایستگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان یک مفهوم چندبعدی و پیچیده است که از مؤلفه‌های متنوعی چون ارزش‌ها و نگرش‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی، راهبردهای آموزشی و تربیتی، نقش الگوی معلم، سواد رسانه‌ای، و چالش‌های اخلاقی نشئت می‌گیرد. مضامین به‌دست‌آمده از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی گویای آن است که شایستگی اخلاقی نه تنها یک ویژگی فردی، بلکه نتیجه تعامل چندلایه بین محیط‌های اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و فناوری است. این نتایج به‌روشنی بیانگر آن است که آموزش اخلاقی دانش‌آموزان نمی‌تواند صرفاً بر پایه آموزه‌های نظری بنا شود، بلکه نیازمند رویکردی جامع، تجربی و چندمنظوره است که عوامل فردی و ساختاری را توأمان در نظر گیرد.

در تحلیل عوامل علی، نتایج حاکی از آن بود که خانواده، مدرسه، جامعه، ویژگی‌های فردی و رسانه به عنوان نیروهای اصلی در شکل‌گیری و جهت‌دهی به شایستگی‌های اخلاقی ایفای نقش می‌کنند. این یافته با مطالعاتی هم‌راستا است که تأکید دارند خانواده نخستین منبع جامعه‌پذیری اخلاقی کودک است و نگرش، سطح تحصیلات، شیوه تربیتی و انسجام خانوادگی از اصلی‌ترین متغیرهای زمینه‌ساز رفتار اخلاقی هستند (Kabirian, 2024; Rohim & Madzaly, 2025). همچنین ساختار مدرسه، شیوه مدیریت، محتوای درسی، نقش معلمان، و فرصت‌های تجربه‌محور برای یادگیری ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اخلاق دانش‌آموزان ایفا می‌کند (Karimi Yarani et al., 2023; Zhang et al., 2024). این یافته‌ها با پژوهش (Babalola, 2023) نیز همخوانی دارد که بر اهمیت تلفیق اخلاق در برنامه درسی مدارس تأکید می‌کند.

در بررسی عوامل زمینه‌ای، شواهد نشان داد که باورهای فرهنگی و دینی خانواده، سطح تعاملات میان دانش‌آموز و والدین، دینداری مدرسه، فضای فرهنگی، شیوه ارزشیابی و سیاست‌های نظام آموزشی، بسترهای تربیتی را به‌صورت ضمنی و آشکار شکل می‌دهند. این نتایج با یافته‌های (Khaleghi et al., 2023) هم‌راستا است که تأکید می‌کند برنامه درسی اخلاقی باید در پیوند با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی طراحی شود. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نقش محیط مدرسه را به‌عنوان یک ساختار کلیدی در ارتقای یا تضعیف شایستگی‌های اخلاقی برجسته ساختند؛ به‌ویژه سطح تعامل معلمان با دانش‌آموزان و میزان مشارکت آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری اخلاقی، عامل مهمی در درونی‌سازی ارزش‌ها بود که مشابه نتایج (Kotluk & Tormey, 2023; Mosallanezhad et al., 2023) می‌باشد.

از سوی دیگر، یافته‌های مربوط به عوامل مداخله‌ای بیانگر آن است که میانجی‌هایی چون سبک‌های مدیریتی مدارس، سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، دسترسی به منابع آموزشی اخلاق‌محور، نحوه تعامل والدین با معلمان، و نوع استفاده از رسانه‌ها، می‌توانند نقش تشدیدکننده یا تضعیف‌کننده در مسیر یادگیری اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشند. این نتایج با پژوهش (Zaidy, 2024) که به بررسی تأثیر فناوری‌های نوین و رسانه‌های دیجیتال

بر درک اخلاقی دانش‌آموزان پرداخته همخوانی دارد و نشان می‌دهد که پیام‌های رسانه‌ای در فضای مجازی می‌توانند درک نوجوانان از مسئولیت، صداقت و عدالت را به‌طور جدی تحت‌تأثیر قرار دهند.

پیامدهای شناسایی‌شده نیز نشان داد که تقویت شایستگی‌های اخلاقی به ارتقاء سلامت روان، افزایش انگیزش یادگیری، بهبود تعاملات اجتماعی، کاهش رفتارهای پرخطر و شکل‌گیری شهروندی مسئول منجر می‌شود. این نتایج با یافته‌های (Clair et al., 2023) هم‌راستا است که تأکید دارد آموزش اخلاق در نظام‌های تربیتی موجب بهبود تحمل ابهام و سازگاری با مسائل چالش‌برانگیز می‌شود. همچنین، همانند یافته‌های (Ghasemi & Miri, 2023)، نشان داده شد که دانش‌آموزان دارای هوش اخلاقی بالا از عملکرد تحصیلی بهتر و انگیزش درونی بیشتری برخوردارند. پژوهش (Li et al., 2023) نیز بر ارتباط میان آموزش اخلاقی و افزایش مشارکت فرهنگی و تحصیلی تأکید دارد که تأییدی بر پیامدهای شناسایی‌شده در مطالعه حاضر است.

از دیدگاه روان‌شناختی، ارتباط میان ابعاد درونی مانند هوش هیجانی، سرمایه روان‌شناختی، معنویت و حساسیت اخلاقی با توانایی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به خوبی در یافته‌های این پژوهش دیده شد. این یافته‌ها با پژوهش‌های (Haseli Songhori & Salamti, 2024; Hlaing et al., 2023) هم‌راستا است که نشان دادند ویژگی‌های روان‌شناختی و زمینه‌های عاطفی و معنوی نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز رفتارهای اخلاقی در موقعیت‌های پیچیده دارند. همچنین، ساختار اخلاقی دانش‌آموزان زمانی به شکل پایدارتری توسعه می‌یابد که بتوانند این مفاهیم را در موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره تجربه و تمرین کنند (Nadhila Septia & Elis, 2024).

در نهایت، این پژوهش بر اهمیت رویکرد بین‌رشته‌ای در تربیت اخلاقی تأکید می‌ورزد. بر اساس تحلیل داده‌ها و تأیید یافته‌ها با مطالعات پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌کدام از عوامل شناسایی‌شده به تنهایی نمی‌توانند شایستگی اخلاقی را تضمین کنند، بلکه تعامل و هم‌افزایی آن‌ها در نظام آموزشی، خانواده، رسانه و جامعه، موجب شکل‌گیری یک ساختار مؤثر و یکپارچه در آموزش اخلاق خواهد شد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های (Migdadi et al., 2024; Rao, 2025) همخوانی دارد که بر ضرورت طراحی چارچوب‌های چندعاملی مبتنی بر فناوری و اخلاق در محیط‌های آموزشی تأکید دارند.

از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به محدود بودن دامنه مشارکت‌کنندگان به نخبگان آموزشی و متخصصان در حوزه تربیت اخلاقی اشاره کرد که ممکن است دیدگاه دانش‌آموزان و والدین در آن منعکس نشده باشد. همچنین، استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، گرچه عمق مفهومی یافته‌ها را افزایش داده، اما قابلیت تعمیم آن‌ها به سایر محیط‌ها را کاهش داده است. از دیگر محدودیت‌ها می‌توان به تأثیر شرایط فرهنگی خاص در انتخاب مضامین و کدها اشاره کرد که ممکن است در زمینه‌های فرهنگی دیگر متفاوت تفسیر شود.

برای غنای بیشتر مطالعات در این حوزه، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از ترکیب روش‌های کیفی و کمی (روش‌های ترکیبی) بهره گرفته شود تا امکان تحلیل عمیق مفاهیم همراه با سنجش همبستگی‌ها و اثرات آماری فراهم گردد. همچنین، بررسی شایستگی‌های اخلاقی از منظر دانش‌آموزان، والدین، مدیران و حتی سیاست‌گذاران می‌تواند دیدگاه چندجانبه‌تری به دست دهد. انجام مطالعات تطبیقی میان کشورهای مختلف یا اقوام گوناگون نیز می‌تواند به روشن‌تر شدن تفاوت‌های فرهنگی در پرورش اخلاق کمک کند.

برای ارتقاء شایستگی اخلاقی دانش‌آموزان، لازم است برنامه‌های آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که دربرگیرنده تعامل میان ارزش‌های نظری و موقعیت‌های واقعی زندگی باشد. ایجاد فرصت‌های عملی در مدرسه برای تمرین تصمیم‌گیری اخلاقی، برگزاری کارگاه‌های مهارت زندگی و گفت‌وگوهای اخلاق‌محور، و استفاده از رسانه‌های آموزشی در راستای ترویج اخلاق، از جمله اقدامات مؤثر است. همچنین، توانمندسازی معلمان در حوزه اخلاق حرفه‌ای، طراحی محتوای درسی اخلاق‌محور، و مشارکت والدین در فرآیند تربیت اخلاقی باید به‌عنوان محورهای کلیدی در سیاست‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

In contemporary education systems, the development of students' moral competencies has gained renewed attention as societies increasingly recognize the role of moral behavior in academic, social, and civic contexts. Moral competence is no longer regarded merely as a supplementary component of education but as a foundational pillar that influences students' personal identity, interpersonal relationships, decision-making processes, and societal engagement (Ghasemi & Miri, 2023). Scholars have argued that fostering moral reasoning and character in school-aged children is essential to equip them with the necessary skills to navigate a complex and morally ambiguous world (Clair et al., 2023; Li et al., 2023).

The notion of moral competence is multidimensional and includes affective, cognitive, and behavioral components that interact across educational, familial, technological, and sociocultural domains (Babalola, 2023; Kotluk & Tormey, 2023). Research has consistently emphasized the role of teachers as moral role models whose behavior, attitudes, and teaching strategies significantly influence students' moral development (Karimi Yarani et al., 2023; Zhang et al., 2024). Similarly, parental involvement, value systems at home, and parenting styles are among the earliest sources of moral orientation in students (Kabirian, 2024; Rohim & Madzaly, 2025). The moral climate of the school, peer interactions, access to moral education, and media exposure also affect how students internalize and apply moral values (Khaleghi et al., 2023; Zaidy, 2024). Moreover, the acceleration of digital transformation and the infusion of artificial intelligence into educational settings have generated both opportunities and risks regarding students' moral orientations. As highlighted by recent studies, the unregulated use of AI and digital tools may either facilitate moral awareness or distort students' perceptions of ethics (Migdadi et al., 2024; Rao, 2025). Thus, scholars call for integrative approaches that simultaneously address moral content, social environment, psychological attributes, and institutional policies (Haseli Songhori & Salamti, 2024; Mosallanezhad et al., 2023).

Despite increasing interest in the moral development of students, there remains a need for comprehensive models that map the causal, contextual, intervening, and outcome-based dimensions of moral competence. The current study aims to fill this gap by identifying the key components and dimensions of students' moral competence using a qualitative content analysis approach. It seeks to contribute to theoretical clarity and practical interventions for moral development within schools and broader educational policy frameworks (Mohammadi et al., 2023; Nadhila Septia & Elis, 2024).

Methods and Materials

This research employed a qualitative design using structured grounded theory within the framework of qualitative content analysis. The study population consisted of educational experts, teachers, moral education specialists, and educational psychologists. Participants were selected through theoretical sampling based on their experience, relevance to the subject matter, and willingness to provide rich insights. Data were collected through semi-structured in-depth interviews, which were audio-recorded and fully transcribed with informed consent. Data analysis followed three stages: open coding (to extract initial concepts), axial coding (to group codes into categories and subcategories), and selective coding (to identify core themes and theoretical relationships). Additionally, meta-synthesis of relevant literature was conducted to support and enrich the empirical findings. The trustworthiness of the findings was ensured through strategies such as triangulation, member checking, audit trail documentation, and confirmability reviews.

Findings

The analysis revealed six core themes constituting the moral competence of students: **values and attitudes**, **social skills**, **educational and pedagogical strategies**, **teachers' role**, **media literacy**, and **moral challenge**.

identification. These themes encompassed 59 specific codes, ranging from honesty, social responsibility, empathy, and lawfulness, to role-modeling, moral storytelling, and behavioral reinforcement.

In addition to identifying the core dimensions of moral competence, the study categorized factors influencing these competencies into four major groups: causal, contextual, intervening, and outcome-based factors.

Causal factors included the influence of family values, school environment, societal dynamics, individual traits, and media exposure. Families were found to shape initial moral perceptions through parenting styles, religious values, and economic status. Schools contributed through curricula, disciplinary policies, teacher behavior, and opportunities for moral engagement. Society impacted students through peer interactions, cultural norms, and participation in social services. Individual-level factors included emotional intelligence, spiritual beliefs, and cognitive styles, while media acted as both a risk and a tool for moral orientation.

Contextual factors provided the environmental and structural conditions surrounding moral behavior. These included family cohesion, the religious and cultural atmosphere of schools, teaching methods, student participation in school decisions, and community values. Additionally, public awareness of ethics, intercultural exchanges, and educational policies shaped the broader context in which students' moral behaviors developed.

Intervening factors were mediators that could either enhance or hinder moral development. These encompassed school leadership styles, communication between parents and teachers, media monitoring, religious role models, government support for moral education, and students' engagement in extracurricular moral activities.

Outcome-based factors highlighted the effects of enhanced moral competence. These included increased academic motivation, improved interpersonal relations, reduced risk behaviors, greater civic participation, enhanced critical thinking, improved emotional well-being, and the cultivation of responsible citizenship. In essence, moral competence was shown to have positive implications across educational, social, psychological, and behavioral domains.

Discussion and Conclusion

The findings of this study offer compelling evidence that students' moral competence is not the result of isolated educational interventions but emerges from a dynamic interaction of multiple ecological systems. The six core themes identified in this research represent a comprehensive framework that can be used to understand and foster moral development in diverse educational settings. Each theme reflects a distinct yet interconnected dimension of moral growth, where personal values, interpersonal behaviors, instructional strategies, and socio-technological conditions converge to form a cohesive moral identity.

The categorization of causal, contextual, and intervening factors deepens our understanding of the mechanisms through which ethics is cultivated or undermined. Families and schools serve as the foundational layers for moral socialization, while broader societal influences and media ecosystems shape the sustainability and adaptability of those values. Educational institutions that implement participatory, reflective, and emotionally engaging pedagogies are more likely to instill lasting moral sensibilities in students.

Furthermore, the study's attention to intervening variables such as teacher modeling, media control, and inter-institutional collaboration underscores the need for coordinated efforts across stakeholders. Moral development must not be left to informal or incidental exposure. Rather, it should be systematically embedded in school culture, curriculum, and communication. This requires empowering educators with professional ethics training, aligning policies with moral learning goals, and involving parents in moral discussions and activities.

Perhaps most importantly, the outcomes identified in this research affirm the transformative potential of moral education. Enhanced moral competence contributes to academic excellence, social cohesion, personal resilience, and democratic citizenship. It reduces behavioral risks and promotes psychological security in

schools. These benefits reinforce the importance of integrating moral education into all layers of educational planning, from classroom instruction to national curriculum frameworks.

In conclusion, this study provides a data-driven and theoretically grounded model for moral competence in students. It highlights the interdependence of structural, relational, and personal factors and offers practical insights for educators, policymakers, and researchers. By adopting an integrative and context-sensitive approach, educational systems can more effectively nurture moral, responsible, and socially engaged future citizens.

References

- Babalola, F. I. (2023). Integrating Ethics and Professionalism in Accounting Education for Secondary School Students. *International Journal of Management & Entrepreneurship Research*, 5(12), 863-878. <https://doi.org/10.51594/ijmer.v5i12.622>
- Bazvand, A. D. (2023). Exploring Student Teachers' Perceptions of Assessment Ethics Across University-Based Teacher Education Programs in Iran. *Language testing in Asia*, 13(1). <https://doi.org/10.1186/s40468-022-00205-1>
- Clair, M., Epley, M., Gentile, M., & McGeehan, J. (2023). The Effect of an Elective Course in Medical Ethics on Medical Students' Tolerance for Ambiguity. *Journal of Clinical Ethics*, 34(1), 103-109. <https://doi.org/10.1086/723321>
- Ghasemi, S. A., & Miri, M. (2023). The role of moral intelligence in predicting the academic ethics of Farhangian University students with the mediating role of spiritual intelligence. *Journal of Islamic Lifestyle with a Focus on Health*, 3(4), 16-28. <https://www.magiran.com/paper/2704809>
- Haseli Songhori, M., & Salamti, K. (2024). The Linkage Between University Students' Academic Engagement and Academic Support: The Mediating Role of Psychological Capital [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(2), 72-84. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.2.10>
- Hlaing, P. H., Hasswan, A., Salmanpour, V., Shorbagi, S., AlMahmoud, T., Jirjees, F., Kawas, S. A., Guraya, S. Y., & Sulaiman, N. (2023). Health Professions Students' Approaches Towards Practice-Driven Ethical Dilemmas; A Case-Based Qualitative Study. *BMC Medical Education*, 23(1). <https://doi.org/10.1186/s12909-023-04089-4>
- Kabirian, M. (2024). The Process of Professional Ethics Development in Midwifery Students: A Grounded Theory Study. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 29(3), 302-308. https://doi.org/10.4103/ijnmr.ijnmr_12_23
- Karimi Yarani, H., Aghami, S. H., & Kamalakh, K. (2023). Examining the Status of Professional Ethics Among University Professors from Students' Perspectives: A Systematic Review. *Journal title*, 1(1), 7-12. https://jph.medilam.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-29-1&sid=1&slc_lang=fa
- Khaleghi, s., Ghaffari, A., Hashemi, t., Beyrami, M., & Taklavi, S. (2023). Designing Citizenship Ethics Curriculum and its Effectiveness in the Improvement of Altruism and Prosocial Behaviors in Adolescents. *JOURNAL OF INSTRUCTION AND EVALUATION*, 16(62), 59-80. <https://doi.org/10.30495/jinev.2023.1979156.2830>
- Kotluk, N., & Tormey, R. (2023). Compassion and Engineering Students' Moral Reasoning: The Emotional Experience of Engineering Ethics Cases. *Journal of Engineering Education*, 112(3), 719-740. <https://doi.org/10.1002/jee.20538>
- Li, J., Shi, Y., & Zhang, X. (2023). Enhancing Medical Ethics Education for Medical Students in Clinical Research: Considerations and Strategy Analysis. *Acta Bioethica*, 29(1), 9-16. <https://doi.org/10.4067/s1726-569x2023000100009>
- Migdadi, M. d. K., Oweidat, I., AlOsta, M. R., Al-Mugheed, K., Alabdullah, A. A. S., & Abdelaliem, S. M. F. (2024). The Association of Artificial Intelligence Ethical Awareness, Attitudes, Anxiety, and Intention-to-Use Artificial Intelligence Technology Among Nursing Students. *Digital Health*, 10. <https://doi.org/10.1177/20552076241301958>
- Mohammadi, M., Youzbashi, A., & Eskandar, F. (2023). The role of teaching ethics in student intentions and brand value. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 27(2), 199-227. https://journal.irphe.ac.ir/article_703031.html?lang=en
- Mosallanezhad, M., Torabizadeh, C., & Zarshenas, L. (2023). A Study of the Relationship Between Ethical Sensitivity and Emotional Intelligence in Nursing, Anesthesia, and Operating Room Students. *International Journal of Emotional Education*, 15(1), 89-104. <https://doi.org/10.56300/jaer8536>
- Nadhila Septia, S., & Elis, M. (2024). Impact of Familiarity with the Accountant Professional Code of Ethics on Ethical Behavior among Students. *Pancasila International Journal of Applied Social Science*, 2(1), 1-11. <https://doi.org/10.59653/pancasila.v2i01.321>
- Rao, S. (2025). Establishing Responsible AI Use Policies for Students in Educational Institutions: A Framework for Governance, Ethics, and Innovation. *Innovapath*, 1(Q2), 5. <https://doi.org/10.63501/jnzer810>

- Rohim, A., & Madzaly, M. Y. A. (2025). Analysis of Evaluation Techniques in the Book "Islamic Religious Education and Ethics" for Eleventh Grade Students of Madrasah Aliyah. *Edukasi Islami Jurnal Pendidikan Islam*, 14(01), 67-86. <https://doi.org/10.30868/ei.v14i01.8054>
- Zaidy, A. A. (2024). The Impact of Generative AI on Student Engagement and Ethics in Higher Education. *Journal of IT, Cybersecurity, & AI*, 1(1), 30-38. <https://doi.org/10.70715/jitcai.2024.v1.i1.004>
- Zhang, D., Zheng, H., Zhao, Y., Wang, X., Xiao, Q., Zhao, R., Wang, L., Hu, K., Chen, Z., & Zhou, Y. (2024). Unlocking Academic Achievement of Nursing Master's Students: Ethical Leadership, Teacher-Student Relationship and Growth Mindset – A Cross-Sectional Survey Study. *BMC Medical Education*, 24(1). <https://doi.org/10.1186/s12909-024-06436-5>